

پیشخوان ۱

بر دار کردن حسنگ وزیر



کتاب «دار و ندار حسنگ» بر دار کردن حسنگ وزیر» تألیف حسن دلبری به‌تازگی توسط انتشارات معین منتشر شده است. حسن بن محمد میکالی شناخته شده به حسنگ وزیر، آخرین وزیر سلطان محمود غزنوی بود که به دستور مسعود غزنوی و به فتوای خلیفه بغداد، تحت‌عنوان قرمطی یا اسماعیلی، در روز ۲۴ بهمن سال ۴۱۰ خورشیدی به دار آویخته شد. امیر حسنگ از آل میکال از خاندان دیواشستیج شاهزاده سغدی بود. سلطان محمود او را به‌خاطر دانش و تجربه‌اش به وزارت حکومت خویش منصوب کرد. حسنگ در زمان حیات محمود به حج رفت و هنگام بازگشت به‌دلیل ناامنی راه‌ها از مسیر مصر به غزنی برگشت در مصر خلعت خلیفه‌فاطمی مصر را که شیعه‌اسماعیلی بود قبول کرده و در غزنی تسلیم سلطان محمود کرد. خلیفه عباسی حسنگ را در واقع به‌خاطر قبول خلعت فاطمیان و به خدمت نرسیدن وی ولی در ظاهر و با بهانه کردن قرمطی‌گری ساختگی او از محمود خواست وی را تسلیم کند سلطان محمود که به وزیرش اعتماد داشت و مطمئن بود که وی قرمطی نیست به خواست خلیفه جواب رد داد. ابوالفضل بیهقی می‌گوید که سلطان محمود نسبت به پاشناری خلیفه بر اعدام حسنگ وزیر به خشم آمد و گفت: «به این خلقه خرف شده باید نبیشت که من از پهر عباسیان انگشت در کرده‌ام در همه جهان و قرمطی می‌جویم و آنچه یافته‌اید و درست گردد بر دار می‌کشند! اگر مرا درست شدی که حسنگ قرمطی است خبر به امیرالمومنین رسیدی که در باب وی چه رفتی ولی را من پروردگام و با فرزندان و برادران من برابر است.» این کتاب در ۱۰۴ صفحه و با قیمت ۳۷ هزار تومان عرضه شده‌است.

پیشخوان ۲

چاپ بیستم «قابوس نامه»



کتاب «قابوس‌نامه» نوشته عنصرالمعالی کیکاووس‌بن اسکندربن قابوس‌بن وشمگیربن زیار به اهتمام و تصحیح غلامحسین یوسفی به‌تازگی توسط انتشارات علمی و فرهنگی به‌چاپ بیستم رسیده است.قابوس‌نامه یکی از آثار بسیار ارجمند زبان فارسی است. به همان اندازه که وسعت معلومات نویسنده در رشته‌های گوناگون خواننده را به اعجاب می‌افکند، صداقت و صراحت گفتارش در دل اثر می‌گذارد و نیز زرفیضی‌ها و نکته‌سنجی‌های خردمندانه‌وی و حکایات و روایات آموزنده‌ای که گاه به مناسبتی در بعضی ابواب می‌آورد همه خواندنی و آموختنی و به‌خاطر سپردنی است. فکر روشن، نکته‌های عبرت‌آموز و نثر شیوا و ساده و روان نویسنده در خور توجه و ستودنی است. تنوع موضوع ابواب کتاب و فواید فراوانی که از مطالعه آنها به‌خصوص از نظر تحقیق در اوضاع و احوال اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، دینی، علمی و ادبی آن عصر حاصل می‌شود، چنان بر اهمیت کتاب می‌افزاید که شایسته‌است با شان‌روان ملک‌الاشعری بهار هم داستان شده آن را «مجموعه تمدن اسلامی پیش از مغول» بنامیم. این کتاب در سال ۱۳۳۵ برای نخستین بار منتشر شد و چاپ بیستمش پس از ۵۶ سال، با شمارگان ۵۰۰ نسخه و قیمت ۲۰۰ هزار تومان عرضه شده‌است.

پیشخوان ۳

روشنفکر فوری نباشیم!



کتاب «فرهنگ و رسانه‌های نوین» نوشته ناصر فکوهی به‌تازگی توسط نشر هاشمی‌پور منتشر و برای بار اول نشر شده است. این کتاب اولین عنوان مجموعه‌ای است که نشر هاشمی‌پور بنا دارد از فکوهی با موضوع نگاه فرهنگی و اجتماعی به رسانه منتشر کند. این نویسنده و استاد دانشگاه می‌گوید «فرهنگ و رسانه‌های نوین» مجموعه‌ای از مقالات و گفت‌وگوها و یادداشت‌هایش درباره رسانه است و برای چاپ در این کتاب گردآوری و تدوین و بازنگری شده‌اند. کتاب پیش رو ۲۷ مقاله و دو فصل فکوهی و نوشته‌ای از ژیل دلوز را شامل می‌شود که طی ۱۰۰ سال اخیر درباره مسئله تأثیر رسانه بر فرهنگ تولید شده‌اند. عناوین مندرج در این کتاب به ترتیب عبارتند از: «جهان دانش محور و رسانه‌های جدید»، «هنر، سیاست و انقلاب اطلاعاتی»، «مرانتیسم و انقلاب رسانه‌ای»، «تقدیدگاه‌های رسانه‌ای پی‌یور بودیو»، «روشنفکر فوری» نباشیم»، «از ارتباط مجازی تا کنش اجتماعی»، «نوشتن، خواندن، دستکاری»، «جامعه‌شناسی شبکه‌های اجتماعی و نظریه پوتمن»، «انجمن‌های مدنی الکترونیک»، «شبکه‌های برای ترویج علم»، «دیجیتالی‌شدن و فقر فرهنگی»، «فضای مجازی و سیاست‌گذاران‌های تاکارا»، «امر علمی و امر رسانه‌ای»، «فرهنگ و رسانه»، «دلوز: از تباطات و خلاقیت هنری»، «تشر الکترونیک: انتشار آینده ناگزیر»، «هویت، رسانه‌ها و مسئله قوم»، «ابوابشگری رسانه‌ها و بزگان فرهنگ»… این کتاب با ۲۰۵ صفحه، شمارگان ۳۰۰ نسخه و قیمت ۵۰ هزار تومان منتشر شده‌است.

فرهنگ



از نگاه مرغزار

بررسی تاریخی مجموعه «شبکه مخفی زنان» ساخته افشین هاشمی



«شبکه مخفی زنان» نخستین مجموعه هاشمی - به‌عنوان کارگردان - در شبکه نمایش خانگی محسوب می‌شود. سیدافشین هاشمی مرغزار، کارگردان، فیلمنامه‌نویس، بازیگر سینما، تئاتر و تلویزیون، مهندس شیمی و دارای مدرک کارشناسی ارشد کارگردانی از دانشکده سینماتئاتر دانشگاه هنر در سال ۱۳۸۶ است.

برای پرداختن به شبکه مخفی زنان باید ابتدا از تیتراژ آن آغاز کنیم که همیشه با «آنچه گذشت» چگونه آغاز می‌شود، حتی قسمت اولش! در واقع آنچه گذشت نخستین قسمت تبیین‌کننده شرایطی است که در مجموعه با آن مواجه خواهیم شد تا بهتر متوجه شویم این مجموعه در چه شرایطی و چگونه آغاز می‌شود. در ادامه تیتراژ ابتدایی آغاز می‌شود؛ با درج نام بازیگران و نقشی که برعهده دارند. ویژگی این تیتراژ این است که توضیح می‌شود که با شبکه مخفی زنان باید دید آیا آغاز بسیار مختصری در مورد برخی شخصیت‌ها داده می‌شود که با آنها و کم‌و کیف حضورشان بیشتر آشنا شویم و مهم‌تر اینکه فقط نام بازیگرانی در تیتراژ می‌آید که در آن قسمت به‌خصوص حضور دارند. ترانه بسیار زیبایی هم برای تیتراژ ابتدایی آماده شد که به‌شخصه مر بار از ابتدا تا انتهای آن گوش جان می‌سپارم، و ویژگی آخر این تیتراژ برپرا این است که از نام قدیمی شغل‌ها و سمت‌های سینمایی یا معادل آن استفاده شده؛ مثل فوتوگراف به جای عکاس، رئیس ضبط صوت به جای مدیر صدابرداری، هم آمیزی اصوات به چهره‌پرداز، بُست و نقوش و مناظر به جای مدیر فیلمبرداری، بانین و پیول اوران به جای سرمایه‌گذاران، صاحب‌کار به جای تهیه‌کننده و در نهایت هاشمی برای خودش سنگ تمام گذاشته و در تیتراژ آمده: «با دراماتوگی و تحت هدایت دقیق سیدالشکول کردن البسه‌های ملقب به مرغزار»، یعنی همان کارگردان خودمان. البته می‌شد برای تیتراژ پایانی از نام‌های امروزی مشاغل استفاده کرد که تنوعی هم ایجاد شود. شبکه مخفی زنان داستان میرزامجمود زنبورک‌چی، رئیس اداره سبجل احوال (ثبت احوال) است که ۴ همسر اختیار کرده. آنها هر کدام فکر می‌کنند میرزا تنها ۴ همسر دارد و واقع یک هوو دارند! میرزا که ۷ دختر از ۲ همسرش دارد و همسر چهارمش باردار است، برای از ازیاد نسل و داشتن فرزند پسر

چهار بار از دواج کرده. او در این اوضاع و احوال توسط مدیرالملک (معاونت وزارت معارف) برای تشکیل کانون بانوان دعوت به همکاری می‌شود. مسئول این کانون، دلبرجان تاجرباشی، بانویی تحصیل کرده و فرنگ‌رفته است که میرزا یک دل نه صد دل عاشق او می‌شود…

تا پایان قسمت چهار دم، تمامی قسمت‌ها با کابوس‌های میرزا محمود زنبورک‌چی شروع می‌شود، جز دوسه قسمت که میرزا تازه دل در گرو دلبرجان تاجرباشی بسته که این کابوس‌ها تا حدودی رنگ‌وبوی رویا به‌خود می‌گیرند. حسندند که مثل آنچه گذشت سرفرازی آنها هم از کابوس‌ها و رویاها معمولاً برگرفته از پایان قسمت قبل و سرآغازی برای قسمت جدید هستند که مثل آنچه گذشته سرفرازی آنها هم از کلمات و جملات آهنگین استفاده شده اما در معدود جاهایی این یکدستی و هماهنگی از دست کارگردان خارج شده و با واژگان و کلمات به‌روزی مواجه می‌شویم که در این حجم از دیالوگ و این تعداد بازیگران قابل‌چشم‌پوشی است. با اینکه صحنه‌های خارجی شبکه مخفی زنان زیاد است و با مجموعه پرلوکیشنی مواجه می‌شویم که گاه از یک مکان برای چند لوکیشن مختلف استفاده شده - اما در مجموع طراحی صحنه مجموعه و جلوه‌های بصری آن موفق بوده‌اند و حال‌وهوای روزگاران قدیم در بیننده زنده می‌شود. فیلمبرداری بسیار عالی علی‌رضا زرین‌دست که به قول تیتراژ مجموعه «به واقع دست زرین دارند» و نورپردازی درجه‌یک که به صحنه‌های شب و لوکیشن‌های تاریک جلوه‌ای تماشایی داده، از ویژگی‌ها و برتری‌های این مجموعه است. سال ۱۳۱۰ که ماجراهای شبکه مخفی زنان در آن اتفاق می‌افتد، سالی پر حادثه محسوب می‌شود. مثلاً اینکه در آن سال طبق ماده ۳ قانون متحدالشکل کردن البسه‌های ایرانی، عدم‌استفاده از کلاه‌لهدار بین سه تا هفت روز حبس داشته یا تلاش شده که نام تمام همسران و فرزندان مردان در شناسنامه‌شان بیاید، یا همچنان در اداره ثبت احوال مردم به‌دنبال نام‌گذاری و فامیل‌گذاری و گرفتن شناسنامه هستند.

شبکه مخفی زنان از گروه بازیگران بسیار سرشناس و شاخصی برخوردار است و حتی برخی از بازیگران سرشناس و ستاره در نقش‌های کوتاه حاضر شده‌اند. سیامک انصاری در نقش میرزا

محمود زنبورک‌چی با اینکه به لحاظ فیزیکی و ظاهری بازیگر مناسبی به‌نظر می‌رسد و در مجموع بازی خوب و یکدستی ارائه داده اما انگار از دل برنامه جوکر به این مجموعه اضافه شده باشد، در بیشتر لحظات به‌شخصه مجری برنامه جوکر را در این مجموعه می‌دیدم تا میرزا محمود زنبورک‌چی را.

شبنم مقدمی که بازیگر بسیار توانمندی است، تیبی را در این مجموعه بازی کرده که پیش‌تر از او هم کمپاین در مجموعه خاتون - البته در نقشی جدی - دیده بودیم. اما شقایق دهقان در نقش همسر دوم میرزا بازی متفاوتی از خود ارائه داده و با نوک زبانی صحبت کردن و تفاوت در لحظه لحظه بازی‌اش، نقش بلور، زن خرقاقتی و سساده، زحمت فراوانی کشیده شده‌است. در فیلمنامه هم‌اگر همکاری محسن قرایی و محمد رحمانیان بهره‌برده شده، تا حد زیادی سعی شده از کلمات و عبارات قدیمی استفاده شود و در برخی جاها هم از کلمات و جملات آهنگین استفاده شده اما در معدود جاهایی این یکدستی و هماهنگی از دست کارگردان خارج شده و با واژگان و کلمات به‌روزی مواجه می‌شویم که در این حجم از دیالوگ و این تعداد بازیگران قابل‌چشم‌پوشی است. با اینکه صحنه‌های خارجی شبکه مخفی زنان زیاد است و با مجموعه پرلوکیشنی مواجه می‌شویم که گاه از یک مکان برای چند لوکیشن مختلف استفاده شده - اما در مجموع طراحی صحنه مجموعه و جلوه‌های بصری آن موفق بوده‌اند و حال‌وهوای روزگاران قدیم در بیننده زنده می‌شود. فیلمبرداری بسیار عالی علی‌رضا زرین‌دست که به قول تیتراژ مجموعه «به واقع دست زرین دارند» و نورپردازی درجه‌یک که به صحنه‌های شب و لوکیشن‌های تاریک جلوه‌ای تماشایی داده، از ویژگی‌ها و برتری‌های این مجموعه است. سال ۱۳۱۰ که ماجراهای شبکه مخفی زنان در آن اتفاق می‌افتد، سالی پر حادثه محسوب می‌شود. مثلاً اینکه در آن سال طبق ماده ۳ قانون متحدالشکل کردن البسه‌های ایرانی، عدم‌استفاده از کلاه‌لهدار بین سه تا هفت روز حبس داشته یا تلاش شده که نام تمام همسران و فرزندان مردان در شناسنامه‌شان بیاید، یا همچنان در اداره ثبت احوال مردم به‌دنبال نام‌گذاری و فامیل‌گذاری و گرفتن شناسنامه هستند.

شبکه مخفی زنان از گروه بازیگران بسیار سرشناس و شاخصی برخوردار است و حتی برخی از بازیگران سرشناس و ستاره در نقش‌های کوتاه حاضر شده‌اند. سیامک انصاری در نقش میرزا

محمود زنبورک‌چی با اینکه به لحاظ فیزیکی و ظاهری بازیگر مناسبی به‌نظر می‌رسد و در مجموع بازی خوب و یکدستی ارائه داده اما انگار از دل برنامه جوکر به این مجموعه اضافه شده باشد، در بیشتر لحظات به‌شخصه مجری برنامه جوکر را در این مجموعه می‌دیدم تا میرزا محمود زنبورک‌چی را. شبنم مقدمی که بازیگر بسیار توانمندی است، تیبی را در این مجموعه بازی کرده که پیش‌تر از او هم کمپاین در مجموعه خاتون - البته در نقشی جدی - دیده بودیم. اما شقایق دهقان در نقش همسر دوم میرزا بازی متفاوتی از خود ارائه داده و با نوک زبانی صحبت کردن و تفاوت در لحظه لحظه بازی‌اش، نقش بلور، زن خرقاقتی و سساده، زحمت فراوانی کشیده شده‌است. در فیلمنامه هم‌اگر همکاری قبلی‌اش با افشین هاشمی، سهران در را، همکاری قبلی‌اش با افشین هاشمی، نقشی کمتر چرا این‌ها بازیگر زن چنین جایگاهی را بازیگر ندارد، شکم درست‌شده برای بارداری اوست که بسیار توی ذوق می‌زند. به‌عنوان بیننده مجموعه درک می‌کنم که چرا سازندگان شبکه مخفی زنان از لیل‌احتمی برای نقش دلبرجان استفاده کرده‌اند و قابل‌تکتمان نیست که او نقش زنی جوان‌تر از سن واقعی‌اش را بسیار خوب ایفا کرده‌اما این را درک نمی‌کنم چرا چنین بازیگری در چنین جایگاهی باید این نقش را ایفا کند! واقعاً دلبرجان چه چیزی به کارنامه حاتمی اضافه کرده‌است؟ آیا این نقش ویژگی جدیدی داشته یا دارد که تا پایان قسمت چهاردم به منصفه ظهور نرئید؟

مهدی هاشمی در نقش مدبرالملک همچنان نشان می‌دهد دود از کنده بلند می‌شود و بازی قدرتمند و یکدم ایفای می‌کند اما حمید فرخ‌نژاد در نقش ایرد یا آن لحن نجیب، بازی در خور توجهی ارائه نداده‌است. در بین بازیگران این مجموعه، باران کوثری و رضا بهبودی در بیشتر قسمت‌ها حضور دارند اما نقش ثابتی را بر عهده ندارند و گاه حتی در یک قسمت دو نقش مختلف را بر عهده گرفته‌اند. کوثری در بیشتر نقش‌هایش موفق است چه وقتی شخصیت پروین اعتمایی را ایفا می‌کند چه وقتی که تیپ گلی ممدقلی را اما زمانی که او نقشش را بازی می‌کند که لچه‌چه دارد - مشکل همیشه‌اش - ظاهراً بیشتر درگیر لچه‌چی می‌شود و کیفیت بازی کوثری افت می‌کند. اما بهبودی یکی از بهترین بازیگران مجموعه است و تمامی نقش‌هایی را که ایفا کرده‌مال خود می‌کند. حتی در قسمتی که دو نقش را برعهده داشت، فراموش می‌کنید این بازیگر

دیوان سالاری اسلامی؛ دیوان سالاری ایرانی

ادامه این نشست علی بهرامیان، پژوهشگر و کارشناس حوزه کتاب گفت: در طول تاریخ چندین کتاب درباره نهاد وزارت و دیوان سالاری نوشته شده است اما با نگاه به کتب حوزه دیوان سالاری کمتر کتابی که به نسل‌های بعد خود آموزش‌دبیری می‌داند زیر خاندان‌های دیوان سالار در ایران وجود داشته‌اند و بر همین اساس در حوزه دریافت خراج و مالیات آموزش‌ها و مهارت‌های قابل‌توجهی وجود داشته است. مولف «وزارت و دیوانسالاری ایرانی در عصر اسلامی» بیان کرد: در ساله‌ها و نوشته‌هایی درباره دیوان سالاری ایرانی و تأثیر آن بر دستگاه خلافت نوشته شده است و از دوران ساسانی انتقال دانش دبیران و دیوان‌سالاری به حاکمان اسلامی شروع شد که پس از فتح ایران توسط اعراب نیز شاهد سپرده‌شدن اداره برخی از موضوعات به ایرانیان هستیم. در



ادامه این نشست علی بهرامیان، پژوهشگر و کارشناس حوزه کتاب گفت: در طول تاریخ چندین کتاب درباره نهاد وزارت و دیوان سالاری نوشته شده است اما با نگاه به کتب حوزه دیوان سالاری کمتر کتابی که به نسل‌های بعد خود آموزش‌دبیری می‌داند زیر خاندان‌های دیوان سالار در ایران وجود داشته‌اند و بر همین اساس در حوزه دریافت خراج و مالیات آموزش‌ها و مهارت‌های قابل‌توجهی وجود داشته است. مولف «وزارت و دیوانسالاری ایرانی در عصر اسلامی» بیان کرد: در ساله‌ها و نوشته‌هایی درباره دیوان سالاری ایرانی و تأثیر آن بر دستگاه خلافت نوشته شده است و از دوران ساسانی انتقال دانش دبیران و دیوان‌سالاری به حاکمان اسلامی شروع شد که پس از فتح ایران توسط اعراب نیز شاهد سپرده‌شدن اداره برخی از موضوعات به ایرانیان هستیم. در

یادداشت

علیرضا محمودی؛ دبیر گروه فرهنگ

چرخه فیلم‌های معنوی و عرفانی در دهه ۶۰ آنها متحول شدند

توجه به متافیزیک و جنبه‌های معنوی زندگی در سینمای ایران، پس از انقلاب، به‌عنوان یک استراتژی، ابتدا از سوی هنرمندان انقلابی مطرح شد. این گروه از سینماگران که اغلب سابقه مبارزاتی داشتند، با پیروزی انقلاب این فرصت را پیدا کردند که مضامین دلخواه در سینما را مطرح کنند. این گروه که در حوزه هنری به‌عنوان یک نهاد انقلابی، دور هم جمع شده‌بودند، با این رویکرد که سینما را باید از ذات غافل‌کننده خود دور کرد، به نقد و مقابله با فیلم‌های ایرانی در حال‌نمایش پرداختند. آنها گاهی از نقد گذشتند و با طومار و تهدید به برخورد فیزیکی سینمای ایران را از غفلتی که از آن سخن می‌گفتند، متوجه حضور خود کردند. مسئولان فرهنگی کشور به این گروه پیشنهاد دادند به جای نظر به پردازی و حمله به فیلم‌های سناخته شده، به تولید محصولات فرهنگی، روی بیاورند. هنرمندان گردآمده در حوزه با همکاری تعدادی از فن‌کاران سینمای ایران تولید فیلم را آغاز کردند. نخستین محصول آنها بر نامه عید فطر سال ۱۳۶۱ بود. توجه فیلمی از منوچهر حقانی پرست با فیلمنامه‌ای از محسن مخملباف؛ فیلمی که با نام با مسمای خود پس از پایان اگران جنجالی برخی‌ها نوبدبخش جریان تازه‌ای در سینمای ایران بود. در سال ۱۳۶۲ فیلم‌های «توبه نضوح» از محسن مخملباف و «مرگ دیگری» ساخته محمد رضا هنرمند حضور همه جانبه حوزه در سینمای ایران را عیان کرد. هر دو فیلم بر مبنای هشدار به مردم درباره عاقبت دنیوی و اخروی گناهان و ماهیت مرگ ساخته شده بودند. مرگ دیگری که بازسازی یک نمایش ساخته شده در حوزه بود، چندان با اقبال روبه‌رو نشد، اما فیلم توبه نضوح، علاوه بر موفقیت در گیشه و همچنین نمایش گسترده در مساجد و تکایا، همه کشور را متوجه حضور جدی گروه سازندگان فیلم کرد.

در سال ۱۳۶۳ از محسن مخملباف ۲ فیلم با مضامین معنوی به نمایش درآمد؛ «استعاذه» با یک داستان فانتزی درباره ارتباط انسان با خدا و «دو چشم بی‌سو» با یک داستان رئالیستی درباره ماهیت معجزه. هر دو فیلم بر خلاف فیلم قبلی مخملباف با استقبال روبه‌رو نشد. توبه نضوح، مضمون بازگشت یک فرد استریمزادیات به معنویات را در بستر یک ملودرام خانوادگی بیان می‌کرد. اما دو فیلم دیگر داستان‌های سرد و بی‌روح و دور از علایق مردم، با پیام‌های معنوی بودند. اما در همین سال فیلم «مردی که زیاد می‌دانست» ساخته دالله همدانی در بخش خصوصی با موفقیت روبه‌رو شد و بیش از ۳ میلیون تومان در تهران فروش کرد. فیلم اخبار روز مینی بر رات خبری عدای در بازار ایران را با یک داستان فانتزی پیونده داده بود. فیلم با فروش معقول خود زمینه پیمای برای فیلم‌های حوزه داشت که برای پیام‌های معنوی خود دنبال داستان‌های بهتری بگردند.

در سال ۱۳۶۵، «نگ‌ها» ساخته محمدرضا هنرمند، درباره مرگ در دنیای مادی غرب، نزدیک به ۷ میلیون تومان در تهران فروخت. فیلمنامه فیلم را مخملباف نوشته بود که همان سال با فیلم اپیزودیک «ستفروش» حضور بر سروصدا در متن سینمای ایران داشت. همه جا حرفا او بود و هم نثرش تا او می‌نوشتند. او به یکی از مهم‌ترین سینماگرانی دهه ۶۰ مبدل شد، در حالی که فیلم دستفروش را سال‌های آتی از تماشاگران کن می‌شد. نگ‌ها به‌خاطر فضای فرگی و رنگی‌اش با مضمون مرگ، نگاه‌ها را به‌سوی خود جلب کرد بود تا مضمون معنوی‌اش. در سال ۱۳۶۶ نمایش فیلم «پرستار شب» (محمد علی نجفی) و «شناسایی» (محمد رضا اعظمی) در رویکرد مخملباف نوشته بود که همان سال با فیلم گذاشتند. پرستار شب درباره ارتباط معنوی یک رزمنده شیعه و یک پرستار مسیحی بود. بازسازی صحنه‌های دینی و شمایل‌های مذهبی تشیع و مسیحیت در این فیلم زمینه‌های تقرب‌آیدان را به تصویر می‌کشند. این فیلم‌شناسایی تحول شخصیت اصلی (محمد علی سیاللو) با داستانی شبیه فیلم‌های جنایی آغاز می‌شد و در نهایت به حقیقت و درک تا‌های از آن می‌رسید. هر دو فیلم با شکست در گیشه روبه‌رو شدند.

فرازی‌ها را بالا زده بود تا معنویت در فضای نمایش در سینمای ایران را به شکل دیگری تضمین کند. تغییر مسیر محسن مخملباف در فیلمسازی، حفظ معنویت را برای نشان‌دادن نفوذ نگاه رسمی در میان فیلمسازان اهمیت پیدا کرده بود. نمایش آثار فیلمسازیانی مثل آندری تارکوفسکی و سرگئی پاراجانف نمونه خوبی برای الگوسازی بودند. «برهوت» (محمد علی طایی/ ۱۳۶۶) «دل نمک» (امیر قویدل/ ۱۳۶۹) و «نارو نی» (سعید ابراهیم زاده/ ۱۳۶۹) فیلم‌های ساخته شده با این سیاست بودند. این فیلم‌ها اقبال عمومی از اشعار سهراب سپهری و توجه به آثار تارکوفسکی فضای روشنفکری را هدف قرار دادند. نتیجه، فیلم‌های کم‌فروش اما مناسب برای سیاست‌های بخشنامه‌ای بود. حوزه هنری با تحویل سینماهای مصادره‌شده از بنیاد مستضعفان و جانبازان، و به یک استودیوی بزرگ سینمایی تبدیل شد. مدیران حوزه که متوجه ظرفیت بزرگ سالن‌ها شده بودند، برای استفاده از بهر بزرگ ارکان، سیاست تولید فیلم در حوزه را تغییر دادند. حوزه از ساخت فیلم‌های کم‌فروش و عرفانی و معنوی به سمت ساخت فیلم‌های کودکان فیلم‌های جنگی با تماشاگران فراوان حرکت کرد. اما چرخه فیلم‌های معنوی با یک تغییر تعریف از معنوی به سمت عرفانی تغییر مسیر داد. حوزه در آخرین سال‌های دهه ۶۰مخالف‌فیلم‌های «اب را گل نکنید» (شهریار بحرانی) و «باغ سید» (محمدرضا اسلاملو) دو فیلم به فرست این فیلم‌ها اضافه کرد. اما سیاست تولید حوزه ساخت فیلم‌های پر فروش بود.

چرخه فیلم‌های عرفانی دهه ۶۰حاصل‌نکرش کسانی بود که با هر عنصر سرگشته در سینما مخالف بودند. در این چرخه هر چیزی باعث جذابیت فیلم بود، مذموم شمرده می‌شد. درحالی‌که فیلمسازی و تداوم تجربه‌های این گروه را عقاید اولیبه خود دور کرد، اما آثارشان هنوز در سینمای ایران قابل‌بحثند. مهم‌ترین الگوی این فیلم‌ها تحول از مادیات به معنویات است. شخصیت‌های اصلی در مرداب مادیات غرق هستند و با تلنگری و یا حربه‌ای و یا یک شخصیت ماورایی به سمت خدا برمی‌گردند. در فیلم‌های نمونه‌ای حوزه می‌توان به توبه نضوح اشاره کرد که شخصیت تاجرملک فیلم با ترس از مرگ و عذاب الهی به جبران گذشته خود می‌پردازد. در «فراونی» فیلم‌مثالی فراینی در سینمای عرفانی، احتضار یک خوشنویس، یک نقاش مدرن را به سفری در سنت‌ها و شمایل‌های عرفانی می‌برد. سیب، سته‌ار، انار، تسبیح و سجده از شمایل‌های سینمای عرفانی است. روسا بیشتر از شهر و تک‌گویی بیشتر از دیالوگ، قرار داده‌ای این آثار بودند.